



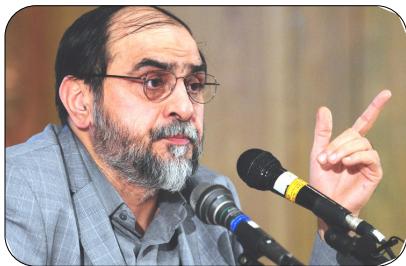
## پر تیڑاڑ ترین جزوہ

سے

س

استاد رحیم پور از غدی

## حکومت نبوي (ص) الگويي برای پاسخ به تمامی مشکلات



## شناختن

- **موضوع :** حکومت و جامعه اسلامی، باید ها و نباید ها
- **سخنران :** استاد رحیم پور ازغدی
- **تاریخ :** ۳ دی ۱۳۸۳ / پیش از خطبه های نماز جمعه ای تهران
- **كلمات کلیدی :** فقر + غنا + مسئولین حکومت دینی + روحانیت + اصلاح خود + ساخت جامعه اسلامی + کارگران + ریاخواران + دادگاه و دادگستری اسلامی + زن و حکومت اسلامی + سیره ای پیامبر (ص)
- **جزوات مرتبط :** دین داری و تحجر از منظر امیرالمؤمنین (ع)

\*\*\*

دریافت دیگر جزوای و ارائه ای نظرات :

Markazejanzeh.ir

کanal تلگرام مرکز جزو :

telegram.me/markazejanzeh

جهت اطلاع از تولید دیگر جزوای کد این جزو به همراه نام شهر خود را به سامانه پیامکی مرکز ارسال نمایید :

5000133331388

کد این جزو : ۲۰۰

مرکز تولید و توزیع جزوای جمهور  
فریمانی اعلاب اسلامی

## فهرست

### عیب از دین نیست

مشکل از خودمان است .....	۴
آسیب شناسی حاکمان دینی .....	۴
دشمن حرف مردم را وارونه نشان می دهد .....	۵
تأثیر عمل به دین و ارزش های دینی در ایران و جهان .....	۵
ما باید خودمان را اصلاح کنیم نه دین را .....	۶
اسلام بالاترین چیزی که مردم جهان می توانند بخواهند .....	۶
ضرورت ارائه ی حرف های مکتب اسلام به جهان .....	۶
تنها راه حل؛ رجوع به سنت پیامبر (ص) .....	۷
حکومت و جامعه‌ی دینی ساختنی است نه یافتنی .....	۷
آنچه که برای ساخت حکومت و جامعه‌ی اسلامی نیاز داریم .....	۸
<b>نمایی از حکومت نبوی</b>	
مومنین برادر یکدیگرند .....	۸
لزموم پایین تر بودن سطح زندگی حاکمان دینی، از سطح متوسط مردم .....	۹
نتیجه‌ی فاسد شدن خود .....	۱۰
علماء و حکام؛ هم عامل صلاح و هم عامل فساد جامعه .....	۱۰
شاخصه‌ی جامعه اسلامی؛ طلب حق بدون لکن زبان .....	۱۰
مسئول حکومت اسلامی باید از وضع مردم خبر داشته باشد .....	۱۱
پنج خصلت که پیامبر (ص) تا آخر عمر ترک نکردند .....	۱۱
گروه هایی که آبرویشان محترم نیست و باید در ملأعام نهی از منکر شوند .....	۱۲
ابعاد مختلف پیامبر (ص) .....	۱۲
حکومت پیامبر (ص) به دور از تشریفات .....	۱۳
شخصیت زنان در حکومت پیامبر (ص) .....	۱۳
نمونه های دیگری از سیره ی پیامبر (ص) .....	۱۴
دین؛ همه‌ی دین است .....	۱۵

باید آن طوری  
انقلاب و جامعه را  
هدایت کرد و  
مدیریت کرد که  
پیامبر (ص) می کردند؛  
مشکلات این جامعه  
غالباً توسط همین  
مسئولین قابل حل  
است. مشکل نه از  
دین است و نه از  
حکومت دینی تا عده  
ای دنبال راه حل غیر  
دینی بگرددند. مشکل  
از عمل نکردن به  
این دین است.

# عیب از دین نیست

”چه باید کرد؟“ پرسشی است که ما مطرح می کنیم برای شفاف کردن جریاناتی که به نمایندگی خود خوانده از طرف ملت به زبان های مختلف می گویند که: ”خسته شده ایم، دوره حکومت دینی تمام شده، عصر ایدئولوژی به پایان رسید، انقلاب تمام شده و شعارهای دینی جاذبه اش را از دست داده، ارزش ها فرسوده شده اند، جامعه خسته شده، مردم دین و حکومت دینی را نمی خواهند، مردم اگر دین و حکومت دینی را نخواهند کی را باید ببینند؟“ فضای بسیار سنگین تبلیغاتی در داخل و خارج، یک صدا در شرف

تبلیغ و جریان سازی است و هیچ کدام حاضر نیستند به جای دین و ارزش ها، خودشان را متهم کنند و بگویند: ”ما خودمان مشکل داریم و مردم از دستمان خسته شده اند.“ مردم از دین و حکومت دینی خسته نشده اند و نخواهند شد. مردم با ما مشکل دارند نه با دین و حکومت دینی. این که در اقتصاد چه باید کرد و در سیاست داخلی و خارجی چه باید کرد و در قضاووت چه باید کرد و در حوزه‌ی فرهنگ چه باید کرد، این ها همه داریم ! درس هایی است که قبل از اینکه بیاموزیم وارد حکومت اسلامی شده ایم.

اولین مسئله، آسیب شناسی حاکمان در حکومت دینی است. کسانی که ”چه باید کرد“ را از سنت پیغمبر اکرم (ص) و آموزه های اهل بیت<sup>(ع)</sup> نیاموختند و وارد حکومت

دینی شدند و به نام دین در حوزه های مختلف خواستند بر مردم اعمال حکمرانی کنند، اولین مشکل مردم متدین و حکومت دینی هستند و اولین تکلیف ما در حوزه ای "چه باید کرد" مواجهه شفاف با این جریاناتی است که نه قلب ایمان دارند به دکترین دینی برای حکومت، و نه عقلاً می شناسند این معارف را، و نه عملاً التزام دارند به اینها، و در عین حال ادعا دارند

هیچ جا ما از این نسل جدید، که متهم می شود به این که بریده اند و متزلزل اند و ضعیف اند، نشیدیم که: "ما از این دین و حکومت دینی خسته شده ایم." هر چه از این نسل جدید نشیدیم گفتند که "چرا به این دینی که می گویید، عمل نمی شود؟"

مردم از دین و حکومت دینی خسته شده اند. این ها بخش عمدۀ اش تبلیغات و جنگ روانی است. کار من حضور در میان نسل جوان تحصیل کرده و طلبه است. هیچ جا ما از این نسل جدید – که متهم می شود به این که بریده اند و متزلزل اند و ضعیف اند – نشیدیم که: "ما از این دین و حکومت دینی خسته شده ایم." هر چه از این نسل جدید نشیدیم گفتند که چرا به این دینی که می گویید، عمل نمی شود. نمی گویند "چرا حکومت دینی است؟" می گویند: "چرا حکومت در یک حوزه هایی دینی است؟" دشمن می خواهد این شباهات را وارونه کند. در دهان مردم و نسل جوان می گذارند و می گویند: "بله، مردم و نسل جوان می گویند ما حکومت دینی نمی خواهیم." حال آن که واقعیت عکس این است. نسل جوان ما می گویند: "چرا حاکمان در همه حوزه های اختیاراتشان در اقتصاد سیاست، فرهنگ و ... دینی عمل نمی کنند؟" فرق می کند که بگویید "اشکال این است که حکومت دینی است" یا اینکه بگویید "اشکال اصلی این است که حکومت کجاها دینی نیست و باید دینی بشود." اگر زاویه نگاه عوض شد راه حل و پاسخ هم فرق می کند.

ما باید بدانیم دین زنده است، امروز انقلاب ایران مرکز توفنده و قلب انقلاب جهانی تأثیر عمل به دین جهان اسلام است و در سراسر دنیا دارد تغییراتی ایجاد می کند. ارزش هایی که ۲۳ و ارزش های دینی در ایران و جهان. سال پیش در ایران انقلاب کرد و جنگ را پیش برد همچنان زنده و توفنده است و جاذبه دارد، اگر درست ادا شود آن هایی که ادا می کنند عاقل و صادق باشند، به همان سرعت و قدرتی که اوضاع ایران را عوض کرده اوضاع کل جهان اسلام را در یکی – دو دهه دیگر هم عوض خواهد کرد. اگر رسانه های فرهنگی و تبلیغاتی ما اصلاح شوند، اگر دستگاه قضایی ما و دولت و مجلس ما، کمتر حرف بزنند و بیشتر به دکترین پیغمبر<sup>(ص)</sup> و اهل بیت<sup>(ع)</sup> عمل کنند، خواهید دید این ارزش ها زنده

است و جاذبه دارد و هنوز تنها نبضی که در دنیا می تپد نبض دین و حکومت دینی است. باید روشش شود که چه کسانی چه می کنند و به حساب دین نوشته می شود. این ما باید خودمان دین احتیاج به فهم و عمل دارد نه احتیاج به اصلاح، بلکه ما خودمان را باید اصلاح را اصلاح کنیم نه کنیم نه دین را، دینی که بنیانگذار آن در آخرین سخنرانی به مردم می گوید که: دین را. «هر کس حقی بر گردن من دارد که ادا نشده است، حق جانی، مالی یا حیثیتی، امروز بگوید و حساب مرا تسویه حساب کند، یا از من بگذرد و یا قصاص کند، و حساب مرا به آخرت نکشد.» مردی که قدرت مطلق دارد و حاکم دینی است با مردم این طوری صحبت می کند. این است فرهنگ دین و حکومت دینی. این فرهنگ احتیاجی به اصلاح ندارد؛ حاکمان ما احتیاج به اصلاح دارند و باید خودشان را با این فرهنگ تطبیق دهند. هر وقت مسئولین حکومت در سه قوه خودشان را با این فرهنگ تطبیق دادند، آن روز بدانید که این حرکت و انقلاب در سراسر جهان اسلام هیچ مانع جلوی آن نخواهد بود؛ برای این که بشریت جز عقلانیت در حوزه نظر، و انسانیت در حوزه عمل چیز بیشتری نمی تواند بخواهد، و معارف اسلام مظہر عقلانیت است و احکامش مجرای خلق و خوی انسانی و انسان گرایی به معنای حقیقی آن است.

همین طور پیامبر<sup>(ص)</sup> در همان آخرین سخنرانی اش موعظه می کند به حاکمان دینی که: «به حاکمان پس از خودم یادآوری می کنم که خدا را به یاد داشته باشند ... نگذارید پشت درهای بسته حکومت، قوی ها ضعیف ها را پاره پاره کنند و سرمایه داران و اغنية فقیران را زیر پا له کنند.»

آنچه در گفت و گوی تمدن ها باید عرضه شود این هاست. در گفت و گوی تمدن ها باید ایدئولوژی خود غربی ها را به آن ها پس داد و آن ها هم زیر لب به ما بخندند. این ها را باید گفت که شما با این فرهنگ و تمدن مواجه هستید: منطقی که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> ادب را حتی در برابر دشمن رعایت می کند. خدای متعال به پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمود: «اصبر ضرورت ارائه ی حرف های مکتب علی یقلاون واهجرهم هجرأ جمیلاً» با این ها برخورد که می کنی طردشان هم که می اسلام به جهان کنی به زیبایی طردشان کن و صیر کن و تحمل داشته باش و از پا در نیا، و فرمود مردم را با حکمت و موعظه حسن بخوان؛ مکتبی که پیامبرش با استدلال و برهان بشریت را خطاب کرد و در قرآن کریم خدای متعال فرمود «قل هاتو برهانکم» برهان بیاورید که ما با شما بر اساس برهان سخن می گوییم و بر کسی چیزی تحمل نمی کنیم؛ مکتبی که حجیت عقل را ذاتی می کند، مکتبی و پیامبری که دنیا گرایی به مفهوم

باید آن طوری انقلاب و جامعه را هدایت کرد و مدیریت کرد که پیغمبر اکرم می کرد؛ مشکلات این جامعه غالباً توسط همین مسئولین قابل حل است. مشکل نه از دین است و نه از حکومت دینی تا عده ای دنبال راه حل غیر دینی بگردد.

مثبتش در کنار و در طول آخرت گرایی قرار داد. پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمود تقرب به خدا منافاتی با ازدواج و کارهای اقتصادی ندارد، پیامبر<sup>(ص)</sup> بیشترین هزینه ای که می کرد برای عطر بود. یکی از همسران پیامبر<sup>(ص)</sup> نقل می کند که کسی در زد، یک ظرف آبی بود و پیامبر<sup>(ص)</sup> در آن ظرف آب نگاه کرد و رفتند دم در. می فرمود آن هایی که دنیا را برای آخرت ترک کنند از ما نیستند. این

آن مكتب و خطی است که باید در پی آن بود. پاسخ "چه باید کرد" در همه حوزه ها، عمل به سنت پیغمبر<sup>(ص)</sup> است در تمام حوزه ها، با تفسیر اهل بیت پیغمبر<sup>(ص)</sup> که اوصیاء خاص پیامبر<sup>(ص)</sup> هستند.

دو نکته باید اشاره کنم که گاهی مغفول واقع می شود:

۱- حکومت و تمام جناح های موجود باید به این اجماع برسند که برای حل تنها راه حل مشکلات ما فقط یک راه حل وجود دارد و آن رجوع به سنت پیغمبر اکرم<sup>(ص)</sup> است. به سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> باید آن طوری انقلاب و جامعه را هدایت کرد و مدیریت کرد که پیغمبر اکرم<sup>(ص)</sup> می کرد؛ باید آن طوری حکومت کرد که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می کرد؛ مشکلات این جامعه غالباً توسط همین مسئولین قابل حل است. مشکل نه از دین است و نه از حکومت دینی تا عده ای دنبال راه حل غیر دینی بگردد. کسانی گفتند و نوشتند چون از دین سوء استفاده از دین دلیلی برای سوء استفاده شده و می شود بنابراین راه حل، تفکیک دین از حکومت است. ما به آن ها عرض می کنیم مگر از علم و تکنولوژی سوء استفاده نمی شود؟ از آزادی و حکومت نمی شود. مفهوم روشنفکری و از همه مفاهیم درست سوء استفاده نشده؟ شما هیچ وقت به این ها گفتید چون از علم و غیره سوء استفاده می شود پس ما کنار بگذاریم؟ چطور در مورد دین چنین سخنی به زبان می آورید؟

۲- حکومت دینی و جامعه دینی یافتنی نیست، ساختنی است. برخی فکر می کنند چون مبانی و احکام اسلامی الهی و قنسی و آسمانی است، قرار است یک حکومت دینی و جامعه دینی از بالا بیفتند جلوی ما، مثل یک ساختمان پیش ساخته نصب ش می کنند و ما فقط رحمت زندگی کردن در آن جامعه را به خودمان بدھیم! جامعه دینی و حکومت دینی را باید براساس دکترین و ثابتات و یقینات اسلام بسازیم.

آنچه که برای اولاً باید عقل ورزی و اجتهاد کرد و تئوری داشت. ما چه تعداد نظریه پرداز اسلامی ساخت حکومت و برای حکومت و جامعه دینی داریم؟ همین حالا در دهه سوم انقلاب بسیار کم و انگشت جامعه‌ی اسلامی شمار. نیاز داریم

دوماً مدیران عاقل و صادق و باسود و مسلمان، چه تعداد از این‌ها داریم؟

سوماً هماهنگی و عمل در یک طرح جامد و هندسه واحد، که این‌هم وجود دارد، ما در تمام این حوزه‌ها توفیقاتی داشته‌ایم اما بسیار ضعیفیم. عقل، عمل صالح و اجتهاد دینی تنها ابزار ماست.

## نمایی از حکومت نبوی

و اما در بخش آخر عرایضم به چند درس پیامبرانه در باب حکومت اسلامی الگو، اشاره می‌کنم تا پاسخ اجمالی به پرسش "چه باید کرد" باشد. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرمود "المسلم باید همه شب و اخ المسلم لا یظلمه و لا یسلمه" مسلمانان باید بین همه شان یک رابطه برادری برقرار روز به فکر هم باشد، نه به هم ستم کنند و نه یکدیگر را در برابر هیچ ظالمی تنها بگذارند. باید همه شب و روز به فکر هم باشند و مثل یک شبکه در هم پیچیده در اقتصاد و سیاست و فرهنگ همه به داد هم برسیم و کمک کنیم. این باید شعار جامعه و حکومت اسلامی در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و حقوقی و فرهنگی باشد که مناسبات ستم و بی‌کسی و فاصله‌های طبقاتی در جامعه اسلامی یعنی کوخ نشینی اکثریت و کاخ نشینی اقلیت برداشته شود؛ هنوز در شمال تهران خانه‌های چند میلیاردی وجود دارد و در آن زندگی می‌کنند و در پایین همین شهر هنوز بعد از ۲۳ سال ۱۰ الی ۱۵ سرعائمه در دو اتاق یا یک اتاق زندگی می‌کنند. فاصله‌های طبقاتی با این دستورالعمل پیغمبر<sup>(ص)</sup> نمی‌سازد. تبعیض در نهاد‌های دولتی و حکومت با این دستورالعمل نمی‌سازد.

دستگاه قضایی پر ادعا و کم کار، دولت پر حرف و کم کار، مجلس پر سر و صدا و کم کار با این دستورالعمل های پیامبر<sup>(ص)</sup> نمی‌سازد. نهاد‌های حکومتی هر وقت به جای این که کمک به مردم کند و بمال بر مردم باشد و مالیات بگیرند و خدمات

دولتمردان ما، وزرا و کلایی که خانه هایشان در مناطق بالای شهر تهران است و در خانه های وسیع و راحت زندگی می کنند و دم از حکومت دینی می زند، نمی توانند به احکام اسلامی در باب حکومت دینی عمل کنند، قدرتش را ندارند، ظرفیت آن را ندارند.

رسانی کم کنند، مجلس از منابع عمومی و بیت المال استفاده کند و قدم های بسیار کوتاه و خدمات قطره چکانی به این ملت کند، قوه قضائیه ادعای بزرگ اجرای عدالت و پیشگیری از جرم را کند اما ابتدائی ترین ظلم ها و جرم ها در تهران، پایتخت مملکت، اتفاق می افتد و جلویش را نتوانند بگیرند و در برابر ستم های بزرگ و فشار ها مجبور شوند کوتاه بیایند؛ این

ها با پیام حکومت دینی نمی سازد. دادگستری اسلامی دادگاهی است که به خاطر شکایت یک یهودی، امیرالمؤمنین<sup>(۴)</sup> را به دادگاه احضار می کند و امیرالمؤمنین<sup>(۴)</sup> بدون رفتار امام علی<sup>(۴)</sup> کمترین تصنیع و ناراحتی و گلایه ای در دادگاه حاضر می شود و در کنار او به طور مساوی می ایستد و بعد قاضی وقتی ایشان را با کُنیه صدا می زند به قاضی می گوید "چرا مرا به کُنیه صدا زدی در حالی که این یکی را با اسم عادی صدا می کنی؟ این جا من امیرالمؤمنین<sup>(۴)</sup> نیستم این جا من علی ابن ابی طالب هستم، مثل همین یهودی که از من شکایت کرد." ما در سنت اسلام و سیره پیغمبر<sup>(ص)</sup> این ها را خوانده ایم؛ این ها را به ما گفته اند. ملاک مشروعیت دستگاه قضایی ما وقتی است که به این روایات عمل بکند.

دولتمردان ما، وزرا و کلایی که خانه هایشان در مناطق بالای شهر تهران است و در خانه های وسیع و راحت زندگی می کنند و دم از حکومت دینی می زند، نمی توانند به احکام اسلامی در باب حکومت دینی عمل کنند، قدرتش را ندارند، ظرفیت آن را ندارند. امیرالمؤمنین<sup>(۴)</sup> فرمود: ائمه حق و حاکمان در حکومت اسلامی و علمای لزوم پایین تر دین باید سطح زندگی شان از سطح متوسط مردم پایین باشد تا بتوانند دین را درست تبلیغ و اجرا کنند. اگر روحانیت با مسئولین حکومت در سه قوه در زندگی های اشرافی با سفر های آنچنانی و روابط فامیلی آنچنانی زندگی کنند و با ازدواج های حکومتی آنچنانی کاست های طبقاتی تشکیل بدهنند، نمی توانند حکومت دینی در این مملکت تشکیل دهند. فقط دین و حکومت زیر سوال خواهد رفت، نسل های بعدی ما از اصل دین و حکومت دینی مأیوس خواهند شد. این تکلیف اصلی ما است و تکلیف همه خطبه ها در نماز جمعه هاست که روی این اصول تأکید کنیم.

تسليمه شدن به  
آمريكا و جريان هاي  
ضد ديني، نتيجه هاي  
 fasde shden خود

ما در برابر آمريكا کي کوتاه خواهيم آمد و تن به سازش می دهيم؟ در برابر جريان هاي انحرافي ضد ديني تحت عنوان روشنفکري کي متزلزل می شويم و ديگر جرأت نمي کنيم نهی از منکر کنيم؟ وقتی که خودمان فاسد شده باشيم. آدم هايی که خودشان فاسد شده باشند نمي توانند در برابر منکرات داد بزنند. چرا نهی از منکر ضعيف می شود در يك جامعه اي؟ برای اين که آن هايي که باید نهی از منکر کنند خودشان آلوده می شوند. آدمي که از درون خودش سست می شود و فرو می ريزد ديگر جرأت ندارد داد بزنند، وقتی ظلم می بیند و شرك و نفاق و الحاد می بیند جرأت نمي کند، برای اين که بسته شده است. آن هايي می توانند حُر باشند و آزاد باشند و نهی از منکر کنند، که به چيزی آلوده نشوند.

پیامبر اکرم (ص) فرمود دو گروه می توانند امت را اصلاح بکنند و به رتبه هاي بالاي انساني بيرند و همین دو گروه می توانند امت اسلامي را فاسد بکنند و در منجلاب بیندازنند و فرمودند اگر صالح باشند، امت صالح شده و اگر فاسد باشند امت فاسد می شود. العلماء و الحکام، يکی روحانیت و يکی مسئولین حکومت اسلامی. اگر روحانیت و حاکمان درست و صالح باشند اين جامعه به مقامات عالي خواهد رسيد. نه آمريكا و نه دشمنان دا خلی نمي توانند به جايی برسند، چنانکه در دهه اول انقلاب شاهد آن بوديم و غلطی نتوانستند بکنند. ما چرا در دهه سوم انقلاب اينقدر ضعيف و متزلزل شده ايم؟ چرا می ترسیم حرف بزنیم؟ این مشکل در خود مهااست يک مقداری، يک مقدار هم توطئه دشمن است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: "هر جا ستمی بر مردم برود و حکومتی ها بی اطلاع بمانند، یا مطلع بشوند ولی مدارا کنند، نقض پیمان الهی شده است." پیامبر (ص) فرمود: "در آن جامعه اي که در آن حقوق ضعیفان از قدرتمندان یعنی صاحبان قدرت، ثروت و شوکت بدون لکن زبان مطالبه نشود جامعه اسلامی نیست." این جامعه دیني اي است که قرار بود بسازیم. ما می خواهیم يک جامعه اي بسازیم که اگر فردا يک آدم عادي، يک دهاتي آمد تهران که فلان آدم ثروتمند يا قدرتمند حق مرا بالا کشیده است، تنرسد و بدون لکن زبان حرفش را بزند و داد گستری حقش را اقامه کند. این است آن جامعه و حکومت دیني. کدام نسل جوان از اين جامعه و حکومت دیني رو برگردانده و پشت کرده است؟ ما نسل جوان را نباید متهم کنيم. نسل جوان یعنی نسل مظلوم نا آگاه؛ نه آگاهی دیني درستی به آن داده ايم، نه نمونه هاي عالي در برابر او اجرا می کنيم،

بعد توقع داریم که اینها نماز شب خوان باشند! ریشه های مشکل را بدانیم کجاست. حضرت امیر، بزرگترین تربیت شدهی پیامبر<sup>(ص)</sup>، خطاب به خلیفه<sup>ی</sup> سوم فرمود: "هر جا که خورشید بر آن بتابد و ظلمی و فسادی در آن شود من و شما در مورد آن مسئول هستیم." چون اعتراضاتی شد که در فلان جا و فلان جا دارد حق کشی و زدی و... می شود، و او می گفت

**پیامبر(ص) فرمود: "در آن جامعه ای که در آن حقوق ضعیفان از قدرتمندان یعنی صاحبان قدرت، ثروت و شوکت بدون لکنت زبان مطالبه نشود جامعه اسلامی نیست."**

که من اصلاً خبرندارم. حضرت امیر فرمود: "نمی توانی بگویی خبر ندارم، باید خبر داشته باشی." پیامبر<sup>(ص)</sup> اکرم آموخت که مسئولین حکومت اسلامی، دولتی ها، مجلسی ها، دستگاه قضایی در برابر مردم متواضع باشند و مؤدب سخن بگویند. در حکومت دینی حاکمان از موضع قدرت، و سلطه نباید با مردم حرف بزنند. مردم ذوی الحقوق هستند. سلمان و بلال آمدند، سلمان به رسم ایرانی ها افتاد به پای پیغمبر<sup>(ص)</sup> که پای ایشان را ببوسد. پیغمبر<sup>(ص)</sup> فرمود: سلمان، نکن کاری که ایرانی های عجم با پادشاهانشان می کنند را با من نکن. من بنده ای از بندگان خدا هستم. آن گونه که بندگان و بردگان می خورند و بر خاک می نشینند من می خورم و بر خاک می نشینم.

این درس "چه باید کرد" است. هر وقت مسئولین حکومت این طوری شدند، شما ببینید تمام مشکلات دیگر پیاپی حل خواهد شد. حضرت امیر در توصیف پیامبر<sup>(ص)</sup> دارد که "پیامبر<sup>(ص)</sup> دعوت بردگان را به غذا می پذیرفت، بر خاک می نشست، با دست اینها کسر شان خود بز می دوشید و نزد مردم فروتن بود، پایش را حتی نزد کودکان دراز نمی کرد، نیست. در حضور مردم تکیه نمی داد و کار های سخت را می پذیرفت و می کرد. ظاهر حالش مانند ضعیفان بود، اما قلبش قوی بود و بر خر بر هن سوار می شد." حالا کسی نگوید که مسئولین حکومت خر بر هن سوار شوند و به مقر حکومتی بیایند و صحیح به صحیح بز بدشند! ما این را نگفتهیم؛ بحث این سیره واين روش است. همان دوره دوشیدن بز را می گفتند که کسر شان پیغمبر<sup>(ص)</sup> و حاکم اسلامی است و می فرمود: "نه، من مثل برده ها این کار را می کنم." علی<sup>(ع)</sup> فرمود: "او در حال تکیه دادن نه چیز خورد نه چیزی گفت و خوش نمی داشت که به شاهان شیوه باشد و می پیامبر<sup>(ص)</sup> تا آخر گفت: تا زنده ام پنج چیز را ترک نخواهم کرد: سلام کردن به کودکان، غذا خودن عمر ترک نکردن

**گروه هایی** که با بردگان بر روی خاک، سوار شدن برالاغ برهنه- که پایین ترین طبقات سوار می شوند آبرویشان محترم - دوشین بز با دست خود و لباس پشمی. پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمودند: "چند گروهند که نیست و باید در آبرویشان محترم نیست و باید در ملأاً عام آن را نهی از منکر و نقدشان کرد: ۱- کسانی ملأاعم نهی از که بر مسند قدرتند یا ثروت در اختیار دارند و ستم می کنند. ۲- در برابر روحانیونی که منکر شوند نان دین می خورند و خدمت به دنیای خودشان می کنند سکوت نکنید. ۳- حاکمانی را که از قدرت سوء استفاده می کنند و ثروتمندانی را که حق الله و حق الناس را در ثروت دعای امام و رهبر و سرمایه شان ادا نمی کنند متهم کنید." فرمود: "سه گروهند که دعایشان حتماً قبول عادل مستجاب است و رد نخواهد شد، یکی از آن ها امام و رهبر عادل است."

بزرگترین تجلیل ها را از مسئولین صالح داریم و بد ترین اتهامات و حمله ها را نیز به مسئولین فاسد. مسئله دو طرفه است. پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> در عین حال که پیامبر رحمت ابعاد مختلف پیامبر است- که بعد از فتح مکه ۲۳ سال شکنجه و اهانت و تجاوز همه آن ها را و حتی بزرگان و رؤسایشان را بخشید- پیامبر منطق هم است. که این رحمت منطق و... همه درس های "چه باید کرد" است. پیامبر<sup>(ص)</sup> ابعاد دیگر را هم داشت. آیه نازل شد که "اگر وسط جنگ با مشرکین، یکی از آن ها اجازه خواست و راجع به اسلام سوال داشت، به او فرصت بدهید، امنیت کامل به او بدهید و با احترام و امنیت او را اسکورت کنید و به سؤالاتش جواب بدهید، بعد هم همان جا از او جواب نخواهید که قبول کردی یا نه؟ با امنیت و احترام او را دوباره به جبهه خودش بر گردانید تا هر تصمیمی که خواست بگیرد. "اگر در جبهه دشمن ماند با او می جنگیم و اگر هم آمد طرف ما قدمش روی چشم." یک بعد از شخصیت پیامبر<sup>(ص)</sup> هم تحمل و هم استقامتش است که چقدر محتویات شکم حیوانات را بر سر ایشان ریختند و ایشان با لبخند جواب می داد. قضیه آن یهودی را شنیده اید که هر وقت پیامبر<sup>(ص)</sup> از کوچه می گذشت خاکستر های خانه اش را بر سر پیامبر<sup>(ص)</sup> می ریخت. روزی پیامبر<sup>(ص)</sup> دیدند خبری از او نشد، پرسیدند که این رفیق ما کجاست؟ گفتند مریض است. پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمودند که باید به عیادتش برویم و وقتی پیامبر<sup>(ص)</sup> را دید از خجالت سرش را زیر پتو برد و عرق ریخت تا این که پیامبر<sup>(ص)</sup> رفتد و بعد هم مسلمان شد. ایشان گوش شنوابی بر مردم بود و درد دل و مشکلات مردم برایشان مهم بود. اینقدر که به ایشان گفتند: شما که همه اش گوش می کنی؟ آیه نازل شد که "يَقُولُونَ هُوَ أَذْنٌ قُلْ أَذْنُ خَيْرٌ لَكُمْ" (توبه/۶۱)

**گوش شنوابی**  
پیامبر<sup>(ص)</sup> برای  
شنیدن درد دل  
های مردم

پیامبر (ص) فرمود: "کلوا جمیعاً ولا تفرقوا" بخورید ولی تنها نخورید، همه باهم بخورید چیزهایی که باید اصلاح شود این هاست که یک عده آن طرف شهر بخورند تا بترکند و بالا بیاورند، و یک عده هم از گرسنگی بمانند!

بعد دیگر پیامبر (ص) این بود که تشریفات حکومتی نداشت. همیشه با اصحابشان به صورت حلقه می نشستند و از تشریفات مشخص نمی شد که کی رئیس و کی مرؤوس است. ما جایگاه مخصوص در حکومت اسلامی نداریم، مگر به دلیل مسائل امنیتی که بحث دیگری است. پیامبر (ص) وقتی وارد مدینه شدند برای اینکه در کدام محل اقامت کنند شتری را مشخص کردند و فرمودند: "هر جا که این شتر نشست من در همانجا ساکن می شوم." و اتفاقاً شتر به یکی از فقیر ترین خانه های مدینه رفت. پیامبر (ص) کارها را به حکومت پیامبر (ص) شرافتمدانه و غیرشرافتمدانه تقسیم نمی کرد، نظام ارباب و رعیتی برقرار نمی کرد، به دور از تشریفات خودش مثل یک عمله ساده چوب جمع می کرد. هنگام ساخت مسجد خودش بلند می شد و کار می کرد. پیامبر (ص) در حکومتش حلقه های بسته سیاسی و کاست و قدرت و باند بازی و قوم خویش بازی نداشت. یک جوان صالح ۱۹ ساله مثل اسمه را پیدا می کرد و او را بین آن همه ریش سفید و اصحاب و آدم های مهم فرمانده بزرگترین لشکرکشی در برابر امپراتوری روم قرار داد. یا مکه را که فتح می کند یک جوان ۲۰ ساله را حاکم می کند. در باب زنان فرمود: "به زنان اهانت نمی کنند مگر افراد پست ولعین". آنقدر به زنان شخصیت داد که حتی جداگانه به آنها فرست بیعت حکومت پیامبر (ص) داد. مرد ها گفتند که ما بجای زن ها هم بیعت کردیم که آیه آمد که نه، خانم ها جداگانه بیعت کنند و پیامبر (ص) مراسم جداگانه بیعت برای زن ها گذاشت. این می شود حضور اجتماعی و سیاسی و تعهد و مسئولیت پذیری زنان.

پیامبر (ص) فرمود: "بئس القوم قوم لا يقومون لله تعالى بالقسط" بد جامعه ای است، جامعه ای که عدالت نیست و برای اجرای عدالت و قسط قیام نمی کند، عدالت در لا يقومون لله تعالى بالقسط حوزه ای اقتصاد، قضایت، سیاست و فرهنگ. پیامبر (ص) فرمود: "کلوا جمیعاً ولا تفرقوا" بخورید ولی تنها نخورید، همه باهم بخورید حتی در سفره هم متفرق نشوید. این منطق اسلام است. "چه باید کرد" پاسخش اینهاست. چیزهایی که باید اصلاح شود این هاست که یک عده آن طرف شهر بخورند تا بترکند و بالا بیاورند، و نمی دانند چطور بول هایشان را خرج کنند، و یک عده هم از گرسنگی بمانند! پنج تا دختر یا پسر دم بخت دارد و یک جهیزیه ساده نمی تواند تهیه کند، و می رود خودش را از

بالای یک ساختمان ۵ طبقه وزارت خانه دولتی می‌اندازد پایین. کسانی که می‌خواهند دین را اصلاح کنند باید بروند خودشان را اصلاح کنند. کتاب و سنت احتیاجی به اصلاح ندارد، احتیاج به فهم و عمل دارد. مشکل جمهوری اسلامی ولایت فقیه نیست که بخواهیم از قانون اساسی برش دارید. مشکل این انقلاب و حکومت، دینی بودنش نیست که بخواهید حذف کنید. مشکل، خود ما و شما هستیم.

پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمود: "هر کس سیر بخوابد و در شهر او یا همسایگی او کسانی گرسنه اند از ما نیست." پیامبر<sup>(ص)</sup> به طبقات محروم و زحمتکش احترام می‌گذاشت در برابر مفت خورها و انگل‌ها موضع می‌گرفت و می‌فرمود: "ملعون ملعون ملعون من القي کله على الناس" نفرین بر کسانی که باز زندگیشان را بر دوش دیگران می‌اندازند و بدون دادن خدمات مادی و معنوی به جامعه، از خدمات جامعه استفاده می‌کنند.

پیامبر<sup>(ص)</sup> از جنگ تبوک برمی‌گشتند، مردم به استقبال آمده بودند از جمله پیرمردی به نام سعد انصاری که نزدیک آمد و با پیامبر<sup>(ص)</sup> مصافحه کرد. وقتی مصافحه کرد پیامبر<sup>(ص)</sup> متوجه زبری بیش از حد دستان او شدند و فرمودند: چقدر دستانت خشن است. گفت: من عمله ام، کار می‌کنم، بیل می‌زنم و زندگی خانواده ام را تأمین می‌کنم. پیامبر<sup>(ص)</sup> دست او را گرفت و بلند کرد طوری که همه ببینند سپس آورد پایین و بوسه بر دستان او زد و فرمود: "هذه يدُ وَ اللَّهُ لَا تَمْسِهُ النَّارُ" به خدا قسم این دستی است که آتش جهنم آن را لمس نخواهد کرد. این است مردم داری.

در مورد رباخواران فرمود: که در شب معراج دیدم کسانی را که شکم هایشان پر از مار بود و از بیرون دیده می‌شد، از جبرئیل پرسیدم اینان چه کسانی هستند؟ گفت: این ها سرمایه دارانی مفت خور و رباخواران هستند که مثل انگل به جامعه آویزان شده اند.

این رحمت و ملاطفت و ادب پیامبر<sup>(ص)</sup> را دیدید، از آن طرف قاطعیت پیامبر<sup>(ص)</sup> را هم ببینید. پیامبر<sup>(ص)</sup> وقتی اصل نظام اسلامی، انقلاب، عدالت اجتماعی و احکام الله در خطربود، با کسی معامله و مسامحه نمی‌کرد. اولاً که حدود ۸۰ جنگ را همین پیامبر رحمت راه اندخته است که برخی را خودش مستقیماً فرماندهی کرده است. در سال نهم، پیامبر<sup>(ص)</sup> در حال آماده شدن برای مقابله با روم است که جنگ روانی شدیدی پشت جبهه پیامبر<sup>(ص)</sup> شروع شد که "باید صلح و مذاکره کرد." روم ابر قدرت است، با قبائلی که با آن ها جنگیده ایم فرق می‌کند. هوا هم گرم است و موقع جمع محصول است

کتاب و سنت  
احتیاجی به اصلاح  
ندارد، احتیاج به  
فهم و عمل دارد.

ملعون ملعون  
ملعون من القي  
کله على الناس.

بوسه بر دست  
کارگر

مار در شکم  
رباخوار

مدیریت جنگ  
روانی

مشکل ما بر خورد گزینشی با دین است . بعضی ها رحمت و ادب پیامبر (ص) را نمی بینند و بعضی ها مبارزه و سرخختی پیامبر را، و هر کس هم مدعی می شود که این قرائت من است!

و خشکسالی است.“ شعار جنگ بس است و خشونت بس است. یک عده می گفتند که جنگ و مبارزه با استکبار شعار مفت است. ولش کن و بچسب به زندگی ات ... منافع ملی ات (به قرائت آن ها) یعنی شکم و زیر شکمت، و الا اصول و ارزش ها و عدالت مطرح نیست! بعضی از راه مقدسی وارد شدند، یکی به پیامبر (ص)

گفت: ”مرا معاف کن چون دختران رومی

خوشگلند و آدم ضعیفی هستم. اگر به آن منطقه بیایم و کنترلم از دست بدhem، چه کسی جواب شرعی اش را می دهد؟!“ این جریان، تشکیلات پیدا کرده بود. پیامبر (ص) دستور داد خانه ای که مرکز فتنه و سازماندهی در برابر جهاد بود را آتش زده و بر تخریب پایگاه اهلش خراب کنند. در نزدیکی مدینه هم مسجد ضرار برای ذکر و دعا و نیایش ساخته های توطنه چینی بودند و از پیامبر (ص) می خواستند که آن را افتتاح کند. وقتی پیامبر (ص) از جنگ برگشت فهمید این مسجد پایگاه توطئه علیه نهضت شده و دستور داد که مسجد را آتش بزنند و بر سرshan خراب کنند.

مشکل ما بر خورد گزینشی با دین است . بعضی ها رحمت و ادب پیامبر (ص) را نمی دین؛ همه می دین بینند و بعضی ها مبارزه و سرخختی پیامبر را، و هر کس هم مدعی می شود که این قرائت من است!

هیچ جا ما از این نسل جدید، که متهم میشود  
به این که برویده اند و متزلزل اند و ضعیف  
اند، نشنیدیم که "ما از این دین و حکومت  
دینی خسته شده ایم." هر چه از این نسل  
جدید شنیدیم گفتند که "چرا به این دینی  
که می گویید، عمل نمی شود؟"

استاد رحیم پور ازغدی

۱۳۸۳/۱۰/۳

مرکز جزوه : تولید و توزیع محصولات جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی

 [Markazejozveh.ir](mailto:Markazejozveh.ir)

 [@Markazejozveh](https://t.me/Markazejozveh)

 50001333331388

فروش : دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، تقاطع بوذرجمهری رو بروی بانک

کشاورزی، مرکز فرهنگی وارثین. همراه: ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴